

باز کردن قفل‌های سخت زندگی

● محمدرضا اعلائی، مهدیه ولی‌خانی، کارشناس پیش‌دبستانی |

«خانواده‌ات را به نماز فرمان ده ویران‌جاها آن شکیباش» (طه، ۱۳۲)



اشاره

صاحب‌نظران و اندیشمندان تعلیم و تربیت به‌ویژه برای سنین کودکی و نوجوانی بر این باورند که تربیت همانند دیگر شئون زندگی انسان باید به دور از افراط و تفریط بر مدار تعادل و بر اساس اصول و ارزش‌های انسانی صورت گیرد. در آموزه‌های دینی از جمله بر حقوق کودکان، تربیت صحیح و زمینه‌سازی برای رشد و تعالی آن‌ها تأکید شده است. بدیهی است لازم‌ه تحقیق چنین نگرش و رویکردی، آگاهی از اقتضات تربیتی کودکان است. آگاهی از حقوق اساسی ایشان از جمله تربیت نیکو و متناسب با فطرت خدادادی متریبان به‌عنوان امانت‌های الهی.

کلیدواژه‌ها: دین و دین‌داری، علاقه، اجبار، حقوق کودک

الزام نه تنها در حوزه تربیت دینی که در دیگر حوزه‌های تربیتی و به‌ویژه تربیت اخلاقی نیز مورد نظر برخی از اندیشمندان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بوده است. **امانوئل کانت**، فیلسوف آلمانی، از جمله کسانی است که با وجود تأکیدی که بر لزوم توجه به انتخاب‌گری انسان و میل و اراده او در فرایند تربیت داشت، استفاده از الزام را نیز مجاز و بلکه لازم می‌داند: «بسا می‌شنویم که می‌گویند هر کاری را باید چنان در برابر کودکان بگذاریم که از روی میل به آن عمل کنند. این سخن گاه بسیار درست و خوب است، ولی چیزهایی هم هستند که باید همچون تکلیف روبه‌رویشان بگذاریم و این چیزی است که در همه زندگانی برایشان سودمند خواهد بود» (نقیب‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۴۰).

در تعریف اجبار چیزی غیر از خود فرد مطرح است. گاهی خود فرد، خودش را اجبار می‌کند تا کاری را انجام دهد، اما گاهی کسی غیر از خود فرد اجبار را ایجاد می‌کند و از او سلب اختیار می‌کند. در این صورت فرد انتخاب دیگری ندارد و این سلب اختیار با نارضایتی نیز همراه است. باید در نظر داشته باشیم، واقعیت اجبار این است که با نارضایتی و سختی همراه است. حال اینکه چه سازوکارهایی را پیش ببریم تا اجبار را نرم کنیم و نارضایتی کاهش پیدا کند، بحث دیگری است. واقعیت این است که در اجبار این اتفاق می‌افتد که رضایت نداریم و این نارضایتی مندی مؤلفه پرننگی است.

عقلانیت جایگاه ویژه‌ای در تربیت اخلاقی دارد و فرد باید از خوب یا بد بودن امور و حسن و قبح آن‌ها آگاه باشد تا آن‌ها را بپذیرد و در رفتار خود بروز دهد. ولی این موضوع تربیت اخلاقی را متوقف نمی‌کند و آن را به دوره‌ای که توانایی عقلی خود فرد به آن برسد، به تعویق نمی‌اندازد. به همین دلیل است که نمی‌توان کودک را آزاد گذاشت تا هر رفتاری را به‌ویژه ضد اخلاقی و قبیح انجام دهد و تنها در دوره درک عقلی، با شناخت و اطلاعاتی که از یک مکتب اخلاقی به دست می‌آورد و در صورتی که خواست، تربیت اخلاقی را بپذیرد. اگر کسی کم‌ترین مسئولیت اخلاقی را برای خود در قبال سعادت فرزندان و جامعه خویش قائل باشد، چنین دیدگاهی را نمی‌پذیرد، بلکه تلاش می‌کند به تناسب ویژگی شخصیتی کودک از استعدادها و قابلیت‌های او در تربیتش استفاده کند. بنابراین، ضروری است که در هر دوره از رشد انسان، تربیتی فراخور مقتضیات رشد وی طراحی و اجرا شود تا شخصیت او به خوبی شکل بگیرد. به همین خاطر است که تلقین، القا و عادت‌دادن نیز در فرایند تربیت، نه تنها امری باطل نیست بلکه دارای درجه‌ای از اهمیت می‌باشد که به فراخور سن مخاطب کاربرد دارد. همچنین تربیتی که

تنها بر پایه یکی از این امور باشد، تربیتی نادرست است. هر جامعه‌ای هر چند صدای آزادی‌خواهی و عقلانیت او عرش گستر باشد، به خود اجازه نمی‌دهد که در برابر بی‌توجهی به دین‌داری منفعل باشد. دکتر اوئن کلن، رئیس بخش مطالعات مذهبی «مؤسسه (انیستیتو) سالسکن انگلستان»، در این باره گفتار جالبی دارد. او در هم‌اندیشی «آموزش دینی در بستر تعامل ادیان» می‌گوید: «ما درباره امور دیگری مثل مطالعه روزنامه، مشاهده تلویزیون، پوشیدن لباس، خوردن غذا و کاربرد زبان دلخواه و دیدگاه سیاسی، در زندگی کودکان مداخله می‌کنیم، چگونه درباره مذهب و تربیت دینی این دخالت را نپذیریم؟!» (صیوری، ۱۳۷۶: ۱۶۲).

چند نکته:

۱ رویکرد خود والدین نسبت به اجبار: گاهی ما خودمان به‌عنوان والد با اجبار مشکل داریم و خود بچه مشکلی ندارد. این والدین هستند که بیان می‌کنند با اجبار کردن فرزندشان در انجام تکالیف دینی مشکل دارند و خود بچه با سختی این فضا مشکلی ندارد. قسمتی از ریشه این مسئله به گذشته ما والدین برمی‌گردد.

۲ دلسوزی بیش از حد والدین: عامل بعدی که نسل امروز را به افراط در آزادی‌دادن سوق داده، دلسوزی بیش از حد والدین است. کودک در جامعه امروز ما موضوع پرننگی شده است. والدین همواره این ترس را دارند که فرزندپروری درستی نداشته باشند. از طرف دیگر هم دائم می‌گویند: نمی‌خواهیم فرزندمان اذیت شود. دلمان برایش می‌سوزد. در نتیجه ما اجبار را در مسیر تربیت بچه‌ها دلسوزانه حذف می‌کنیم.

۳ فضای رسانه: تبلیغات زیادی وجود دارند که محدودیت‌ها، اجبارها و چارچوب‌ها را مانع رشد و خلاقیت معرفی می‌کنند. بارها شاهد این جمله‌ها بوده‌ایم که: «می‌خواهید فرزندتان رشد کند و کارآفرین یا خلاق شود؟ نباید او را محدود کنید.» این مدل پیام‌ها بیشتر به تربیت رها، و بدون برنامه و ملاحظات توجه دارند. حال آنکه توجه به اصول، استعدادها و توان خدادادی و فطری کودک بسیار اهمیت دارد. رعایت اصول به معنای اجبار نیست بلکه تربیت مبتنی بر قواعد و ارزش‌ها مطلوب است.

زمینه‌های مؤثر در به‌کارگیری اجبار

۱ شرایط رشدی: توجه به این نکته که بچه‌ها در چه دوره رشدی هستند، می‌تواند کمک کند که با توجه به آن درصد و اندازه اجبار را تعیین کنیم. حس دینی مانند سایر نیازها و فرایندهای روانی، طی مراحل خاص در انسان شکل می‌گیرد.

هر جامعه‌ای
هر چند صدای
آزادی‌خواهی
و عقلانیت او
عرش گستر باشد،
به خود اجازه
نمی‌دهد که در
برابر بی‌توجهی به
دین‌داری منفعل
باشد

مغایر با فرهنگ دینی و ایرانی اصیل و خطرات و آلودگی‌های محیطی.

۲ تفریح: فضای تفریح فضایی است که قدرت بسیار زیادی دارد. امروز هم ما با تفریح‌های زیادی در چالش هستیم؛ از جمله تفریح‌های رایانه‌ای. در مقابل، تفریح سالم در فضای عمومی و پارک و گردش را داریم که خود بستری مهمی در اجبار مثبت هستند. ما باید برای فضای تفریح بچه‌ها تدبیر داشته باشیم. اجبار ذاتا ناخوشایند است، ولی با تفریح می‌توان یک نمونه (مدل) اجبار دوست‌داشتنی ایجاد کرد.

با مراجعه به متخصصان متعهد و مجرب و کارگاه‌های مفید و هم‌مسو با ارزش‌های اصیل اسلامی می‌توانید به خیلی از این سؤالات و چالش‌ها پاسخ دهید.

■ یادمان باشد که:

◀ رکن اصلی در دین‌داری و انتقال آن اعتماد به خداوند است. خیلی وقت‌ها دچار افراط در اجبار می‌شویم، چون تصور می‌کنیم خداوند کارش را بلد نیست. گاهی ما از نماز نخواندن بچه‌ها به این دلیل ناراحت می‌شویم که حرف ما را گوش نکرده‌اند، نه اینکه اگر فرد نماز نخواند، حرف خدا را گوش نکرده‌اند. شما باید توجه کنید که به‌عنوان والدین، مانند پیامبر اکرم(ص) تنها تذکردهنده هستید. خداوند به پیامبر اکرم(ص) در قرآن تذکر می‌دهد: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّى» خداوند بلندمرتبه است و برای مخلوقش به‌عنوان یک رب برنامه دارد. بستر آماده دارد. اما گاهی ما فکر می‌کنیم این من هستم که یک بستر را آماده کردم. پس به خدای مهربان اعتماد کنیم.

◀ رکن بعدی باور به خود کودک است من زمانی می‌توانم به او مسئولیت بدهم که بتوانم به او اعتماد کنم. اگر من دائم تذکر بدهم و دائم او را پایش کنم، این من هستم که به او یاد داده‌ام، من مسئول زندگی تو هستم. حسی را هم که منتقل می‌کنیم این است که پدر یا مادر من هنوز به من اعتماد ندارند. من نسبت به این کار مسئول نیستم، والدینم مسئول هستند.

◀ رعایت طاقت و توان متربی: در آیات و روایات متعدد به رعایت حد توان و طاقت افراد در انجام وظایف و حتی احکام شرعی تأکید شده است. از جمله در آیه شریفه ۲۸۶ سوره بقره.

در روایتی از حضرت امام صادق(ع) می‌خوانیم: ما کودکانمان را در هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه‌ای که توان دارند تا نصف روز یا بیشتر یا کمتر سفارش می‌کنیم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۰۹).

این مراحل به سن انسان نیز بستگی دارد. انطباق تکلیف‌های دینی با توان ذهنی و روحی کودکان و نوجوانان به والدین کمک می‌کند که بتوانند رشد دینی آن‌ها را پایدار و بالنده به پیش ببرند.

کودکان به‌طور ذاتی طبیعتی دین‌پذیر دارند. چون اساساً دین‌داری نمود تربیت مبتنی بر ارزش‌ها و باورهاست. آیین دین‌داری و ادیان توحیدی آمدند تا انسان را تربیت کنند و استعدادها را خدادادی او را شکوفا نمایند. اما اگر راه‌های پرورش این استعداد، با آسیب همراه باشد، حس دین‌پذیری به احساس دین‌گریزی تبدیل می‌شود. یافته‌های پژوهشی در مورد تربیت دینی نشان داده‌اند که سخت‌گیری بیش‌ازحد و سهل‌گیری بیش‌ازاندازه در فرایند تربیت دینی، به نتیجه‌ای نامطلوب می‌انجامد. خانواده‌هایی که به دور از نیازهای واقعی و ظرفیت‌های روان‌شناختی کودکان، به تحمیل آداب دینی به فرزندانشان دست می‌زنند، درواقع از تربیت دینی فاصله می‌گیرند.

منظور این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان به‌گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با هدف‌های دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات، همخوانی داشته باشد و در نهایت آنگونه باشد که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. در مورد تربیت دینی در هفت سال اول، گرایش‌ها اهمیت زیادی دارند. در این بازه سنی ایجاد گرایش مثبت نسبت به هر چیزی، مانند علاقه به خوراکی‌های مفید، و مفاهیم دینی مربوط به رفتارسازی در این زمینه‌ها، اولویت دارد. اما در هفت سال دوم رفتارسازی است که اولویت دارد. این نوع تفکر که بچه من خودش باید به این برسد که چرا حجاب داشته باشد یا چرا نماز بخواند بی‌پهلو است. بچه‌ها نمی‌توانند در این سن به پاسخ چنین سؤال‌هایی برسند یا اینکه حتی نماز را دوست داشته باشد.

۲ اجبار محیطی: یکی از بسترهایی که تربیت در آن شکل می‌گیرد، جامعه است. شرایط و اوضاع و احوال جامعه در روند تربیت مؤثر است. بنابراین زمینه مؤثر دیگری در مبحث اجبار، بحث محیطی است که در آن حضور داریم. قدرت زور و اجبار آن بسیار زیاد است، در عین حال می‌تواند خیلی راحت و نرم عمل کند.

عدم غفلت از کارکرد محیط بسیار ضروری است. محیط غنی و متنوع در تربیت کودک، آن هم سنین اوان کودکی حائز اهمیت است. از جمله ویژگی‌های محیط غنی می‌توان به این موارد اشاره کرد. تأمین‌کننده آرامش و امنیت در محیطی سرشار از محبت و احترام، آزادی عمل به‌دور از محرکات



بارها شاهد این جمله‌ها بوده‌ایم که: «می‌خواهید فرزندتان رشد کند و کارآفرین یا خلاق شود؟ نباید او را محدود کنید.» این مدل پیام‌ها بیشتر به تربیت رها، و بدون برنامه و ملاحظات توجه دارند





▽
 عقلانیت جایگاه
 ویژه‌ای در تربیت
 اخلاقی دارد و
 فرد باید از خوب
 یا بدبودن امور و
 حُسن و قبح آن‌ها
 آگاه باشد تا آن‌ها
 را بپذیرد و در
 رفتار خود بروز
 دهد



آسانی است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۳۵۵) و قفل ایمان رفق و مداراست (حر عاملی، ج ۱۵، ۲۶۹، روایت ۴۷۹). دوم اینکه در مسائل تربیتی به‌ویژه در سنن کودکی و نوجوانی نباید اجبار منفی و مستقیم باشد.

■ نتیجه‌گیری

برای انتقال ارزش‌ها صبر و پایداری با همدلی را به‌عنوان راهبرد اصلی در نظر بگیریم. این را همیشه به خودمان یادآوری کنیم که ما به‌عنوان والدین یا مربی تنها نقش تذکردهنده را به عهده داریم. برای اینکه تذکردهنده مقتدر و مهربان باشیم، باید از بسترها و روش‌هایی که سخت‌گیرانه و فراتر از طاقت تربیتی است استفاده نکنیم و از سوی دیگر با زمینه‌سازی مناسب شرایط تربیت مثبت را فراهم آوریم.

همه این‌ها حکایت از حاکمیت معیار «رعایت توان و طاقت متربی» در به‌کارگیری اجبار دارد. بدیهی است افراط در اجبار به‌گونه‌ای که نوجوان را در معرض ضعف شدید بدنی قرار دهد و یا موجب اختلالات جسمی یا روانی او شود، به هیچ‌وجه مورد رضایت شارع مقدس نیست. همچنان که سهل‌انگاری و ترک هرگونه اجباری، به بهانه اینکه توان نوجوان بسیار اندک است و نباید تا رسیدن به سن تکلیف، تلاشی در انجام اعمال دینی داشته باشد، مورد پذیرش نیست.

رعایت نشاط و رغبت‌های روحی و روانی نوجوان به همان میزان که رعایت طاقت جسمی کودک و نوجوان ضرورت دارد، رعایت نشاط روحی و فراهم‌آوردن زمینه‌های رغبت و تمایل آن‌ها به امور دینی هم ضرورت دارد. رعایت این معیار، از دو نظر لازم است: اول اینکه اساساً دین اسلام دین یسر و